

خبر

اصغر فرهادی برگزیده جشنواره جاده ابریشم شد

ایسنا: برندگان سی‌دهمین جشنواره بین‌المللی فیلم جاده ابریشم، شامگاه چهارشنبه ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۶، در مراسم اختتامیه این جشنواره در شهر شَی‌آن چین معرفی شدند. جایزه بهترین فیلم‌نامه این دوره به فیلم «داستان‌های موازی» (Parallel Stories)، به نویسندگی و کارگردانی اصغر فرهادی رسید. این جایزه در بخش رقابتی جوایز جاده ابریشم به فیلم‌نامه «داستان‌های موازی» به عنوان برگزیده این بخش اعطا شد. در این فیلم گروه بازیگران فرانسوی چون ایزابل هوبر، ویرژینی افیرا، ونسان کسل، پیر نینی و آدم بسا مقابل دوربین فرهادی رفته‌اند. «داستان‌های موازی» گروهی از شخصیت‌های به‌هم‌پیوسته را دنبال می‌کند که زندگی‌شان از طریق یک سری افشاکری‌ها و دیدگاه‌های متغیر در هم تنیده می‌شود و هم‌زمان به کاوش درباره حقیقت، اخلاق و روابط انسانی می‌پردازد.

ریزش بیش از هفت‌میلیونی مخاطبان سینما

ایسنا: در بررسی آمار فروش سینماها همواره عوامل متعددی نقش دارند، اما به نظر می‌رسد روند طی‌شده در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از دوران شیوع کرونا، تعداد مخاطب و میزان فروش گیشه را به جایی رسانده که اعداد و ارقام یکی، دو دهه قبل به رویا شبیه شده‌اند. البته اگرچه رقم کلی فروش فیلم‌ها از نظر ارزش عددی در این سال‌ها افزایش پیدا کرده، این اتفاق به لطف بالاترین قیمت بلیت است و اگر سنجش واقعی برمبنای تعداد مخاطبان باشد، افت محسوسی در این بخش مشاهده می‌شود. در نیمه اول امسال، ۲۲ فیلم در سینماها اکران شدند که فروش مجموع آنها به رقم ۶۶۴ میلیارد و ۴۰۶ میلیون تومان رسیده است. در این مدت حدود پنج میلیون و ۲۰۰ هزار نفر به تماشای فیلم‌های اکران شده نشستند. در این شش ماه، جنگ ۴۰روزه، شرایط اقتصادی حاکم بر کشور و همین‌طور احوال روحی مردم بر میزان استقبال از فیلم‌های اکران‌شده بی‌تاثیر نبوده، اما به دلیل آنکه بخشی از شرایط امسال از جمله جنگ در سال گذشته نیز وجود داشت، مقایسه آمار شش ماه ابتدایی امسال و سال گذشته نشان می‌دهد فیلم‌های عرضه‌شده بر پرده سینماها نیز در کاهش مخاطب اثرگذاری قابل توجهی داشته‌اند. در شش ماه نخست سال ۱۴۰۴، فروش کل حدود ۳۳ فیلمی که روی پرده رفته بودند، به ۱۰۲۱ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان رسیده بود و ۱۲ میلیون و ۸۱۳ هزار نفر هم برای تماشای فیلم‌ها بلیت خریدند که این رقم تقریباً نصف تماشاگران ۱۲ ماه سال ۱۴۰۴ بود. این تعداد مخاطب نسبت به امسال کاهش هفت میلیون و ۶۰۰ هزار نفری تماشاگر را نشان می‌دهد و با توجه به اینکه نیمه اول سال قبل پر فروش‌ترین فیلم‌ها «بی‌پرسر»، «مرد عینکی» و «صدام» بودند، به نظر می‌رسد اگر امسال هم فیلم‌هایی که بتوانند مخاطب را به سینما بکشاند اکران می‌شد، شاید شرایط تغییر می‌کرد. در این مدت بارها برخی از سینماداران، تهیه‌کنندگان و پخش‌کننده‌ها خواستار نمایش بعضی فیلم‌های توقیفی همچون «مجنون» و «وحشی» و «شیشلیک» شدند و معتقد بودند اکران این نوع فیلم‌ها در شرایطی که بسیاری از مخاطبان فیلم‌بین هم رغبتی به سینما رفتن ندارند، می‌تواند آشتی دوباره‌ای را رقم بزند، اما این اتفاق نیفتاد و الان تنها این امیدواری وجود دارد که با اکران بعضی فیلم‌های پرستاره در نیمه دوم سال، گیشه سینما رونق پیدا کند. هرچند برخی پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که در پایان امسال با کاهش بیش از ۱۰ میلیون نفری مخاطب مواجه خواهیم شد. در این زمینه محمد قنبری، مدیر پردیس سینمایی مکامال، با اشاره به جنگ ۴۰روزه و اینکه در چنین موقعیتی حوزه فرهنگ اولین جایی است که تأثیر می‌پذیرد، در ارزیابی خود از فروش سینما در نیمه ابتدایی سال به ایسنا گفت: از ۲۱ فروردین که سینماها بازگشایی شدند، خیلی از تهیه‌کنندگان به دلیل عادی‌نبودن شرایط حاضر به اکران فیلم‌هایشان نبودند ولی اکران فیلم «تهران کنارت» نتوانست تأثیر کوچکی بر سینما بگذارد که البته آن هم به‌خاطر کوی هزینه‌های سینماها نبود. بعد از آن برنامه اکران سینماها به دلیل برگزاری برنامه‌های مناسبتی و بعد ماه محرم تحت تأثیر قرار گرفت تا اینکه دو فیلم «زنده‌شور» و «استخر» روی پرده آمدند و گیشه سینما را تکان دادند. در این بین اجرای نمایش‌های کم‌دی در سالن‌های سینما نیز در کنار این دو فیلم کمک کردند تا بخشی از هزینه‌ها جبران شود و سینماها وضعیت بهتری پیدا کنند. او ادامه داد: اخیراً هم با اکران فیلم‌های «سفینه نجات»، «اسکورت» و «خانوم والده» بخشی از مخاطب برای دیدن فیلم به سینما آمده و چرخه اقتصادی سینما در شهرویر بهتر شده اما باز هم به نسبت گذشته این روند قابل قبول نیست.

او پیش‌بینی کرد در شش ماه دوم امسال با توجه به فیلم‌های اجتماعی و کم‌دی متنوعی قرار است اکران شوند، همچون «بت»، «اردو بهشت»، «بورسیه» و «بی‌دار» می‌توان امیدوار بود مخاطب بیشتری به سینما بیاید. قنبری درباره بحث‌هایی که درباره قیمت بلیت سینما مطرح شده است نیز بیان کرد: قطعا در قیاس با بسیاری از مشاغل دیگر در حوزه‌هایی مثل آرایشی و بهداشتی و مواد غذایی که قیمت‌ها هم روز و گاهی هر ساعت افزایش پیدا می‌کند، سینما به دنبال افزایش لحظه‌ای نیست و سالانه قیمت بلیت را تغییر می‌دهد. همین الان هم قیمت بلیت سینما بدون ارزش افزوده ۱۸۰ هزار تومان است در حالی که به نظر م با این وضعیت، کف قیمت بلیت سینما در ساعت‌های خیلی باید به ۵۰۰ هزار تومان برسد. البته برای بسیاری از خانواده‌ها پرداخت این رقم سخت خواهد بود ولی دست‌کم این امکان وجود دارد که رقم ۲۰۰ هزار تومانی بلیت (با ارزش افزوده) به ۳۰۰ هزار تومان برسد که در نیمه‌یا ۱۵۰ هزار تومان شود.

او در پایان افزود: هزینه شارژ سینما، پول برق، تعویض یک پرژکتور که حداقل از یک میلیارد تومان شروع می‌شود و بسیاری موارد دیگر هزینه‌های ماهانه سینما را افزایش می‌دهد، با این حال قیمت بلیت هم نباید اندازه‌ای باشد که مخاطب نتواند به سینما بیاید، به همین دلیل معتقدم اگر فیلم خوب اجتماعی، کم‌دی و کودک روی پرده باشد و ضریب اشغال سینما بالا برود، با همین شرایط هم امورات سینما می‌گذرد.

در ادامه، آخرین آمار فروش و تعداد تماشاگران فیلم‌های اکران شده تا ۳۱ شهریور سال ۱۴۰۵ را براساس اطلاعات سامانه مدیریت و فروش اکران (سِمفا) مشاهده می‌کنید.

در این مدت مانند سال قبل یک فیلم غیرکم‌دی پر فروش‌تر از باقی فیلم‌ها بوده است. اما نکته قابل تأمل این است که در بین این فیلم‌ها فقط دو اثر نوشته‌اند بیش از یک میلیون نفر مخاطب داشته باشند و بعد از آن یک فیلم با حدود ۵۰۰ هزار نفر مخاطب قرار دارد

و بقیه با فاصله‌ای قابل توجه کمتر از ۴۰۰ هزار بلیت فروخته‌اند. این میزان در مقایسه با جمعیت کل کشور و آماری که از راه‌اندازی سالن سینما در شهرهای مختلف ارائه می‌شود، جای بررسی و تحلیل کارشناسی دارد.

نگاهی به سریال «کار آگاه علوی» از منظر زمان وقوع روایت

حافظه نمایشی مخاطب



پلیس سیاسی و حاکمیت پهلوی اول و پرونده‌های جدیدتر از جمله پرونده سیاسی قتل محمد مسعود (روزنامه‌نگار مشهور) و سوءقصد به محمدرضا شاه پهلوی توسط ناصر فخرآرایی بودند و باز هم همچون فصل اول، در مسیر بررسی و به سرانجام رساندن این پرونده‌ها این فصل با پرکناری مجدد کارآگاه علوی از کار و سپردن ریاست دایره جنایی به دستیار اولش کارآگاه صدر (با بازی یوسف مردادیان) به پایان می‌رسید. با توجه به گذشت زمان نزدیک به دو دهه از پایان پخش این فصل که بالاترین سن بازیگر نقش اصلی کار را هم به دنبال داشت، به نظر نمی‌رسید سری جدیدی از این سریال در دستور ساخت قرار بگیرد اما سیاست جدید یک سال اخیر سیما مبنی بر احیای برندهای قدیمی تلویزیون، «کارآگاه علوی» را هم مثل «مرد هزارچهره» و احتمالاً آثار قدیمی دیگری در مسیر ساخت و پخش قرار داد و این مجموعه از اواخر مردادماه سال جاری روی آنتن رفت. در فصل سوم این اثر که تا زمان نگارش این یادداشت، سه قسمت از آن به مرحله پخش رسیده است، سیداحمد نجفی به علت کهولت سن که احتمالاً امکان نقش آفرینی در نقش اول یک سریال تلویزیونی را به او نمی‌داده، به دوران بازینشگی رسیده و ایفای نقش اول سریال به بهنام تشکر رسیده که بر مبنای روایت سریال و با هدف حفظ نام خانوادگی «علوی»، برای این مجموعه دنباله‌دار، برادرزاده کارآگاه محمد علوی به حساب می‌آید، اینکه این تغییر و تناسب بازیگر جدید با نقش، به‌ویژه با توجه به خطرات به‌جای‌مانده از دو فصل اول، تا چه میزان از کار درآمده، مباحثی است که فرصت مناسب دیگری می‌طلبد. اما نکته مهم که می‌توان از آن به عنوان کاف در منطق زمانی وقوع سریال یاد کرد، این است که چگونه می‌توان پذیرفت که فصل دوم سریال در اواخر دهه ۲۰ یا اوایل دهه ۳۰ خورشیدی مقارن با گذشت یک دهه از دوران سلطنت پهلوی دوم به اتمام رسیده باشد ولی در فصل سوم اثر

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

که در آن مطابق منطق زمانی خود سریال، کارآگاه

محمد علوی پسر و خمیده‌قامت شده و دوران بازینشستگی‌اش را سپری می‌کند، زمان وقوع سریال به سال ۱۳۱۹ یعنی اواخر سلطنت رضاشاه پهلوی بازگشته باشد؟ به عبارت دیگر چگونه ممکن است کارآگاه علوی پایان فصل دوم در سال ۱۳۳۰ خورشیدی، مردی در نیمه‌های میان‌سالی باشد ولی ۱۱ سال قبل از سال ۱۳۳۰ یعنی در سال ۱۳۱۹، این چنین پیر و شکسته شده باشد؟ کاف فاحشی که از همان دقایق نخست شروع پخش فصل جدید مجموعه به چشم آمد و از طراح و نویسنده اصلی اثر یعنی حسن هدایت بعید بود که در نگارش سریال به چنین نکته مهمی توجه نکرده و از آن به سهولت گذشته باشد. البته در

سری جدید هم نام یک نویسنده جوان در کنار نام هدایت به عنوان بازنویس آمده و هم کارگردانی سریال به سیدجمال سیدحاتمی سپرده شده که این تغییر هم شاید بنا به بالاترین سن و سال هدایت و عدم توانایی جسمانی او برای هدایت یک پروژه نسبتاً سنگین اتفاق افتاده باشد ولی از آنجا که همچنان نام هدایت به عنوان نویسنده اثر مطرح است، بی‌تردید بهترین گزینه برای پاسخ به چرایی وجود چنین کافی در منطق زمانی سریال، خود اوست. اما گذشته از این مقوله، نکته دیگری که می‌توان از تیم سازنده فصل سوم پرسید، چرایی تغییر بازیگران نقش‌های مکمل یعنی دستیاران کارآگاه علوی به رغم حفظ نام و هویت کاراکتر آنهاست؟ در سری دوم اثر، محمدرضا عباس‌نژاد و ولی اویسی به ترتیب دو نقش کارآگاه کاررونی و کارآگاه کرپیچه را ایفا می‌کردند. البته این حق طبیعی هر کارگردانی است که در فصل تازه از بازیگران جدیدی بهره بگیرد و به ترتیب رسول نقوی و کیوان ساکت‌اف را جایگزین بازیگران قدیمی کند، اما سؤال اینجاست که چرا نام و هویت دو کارآگاه قبلی حفظ شده است؟ به عبارت دیگر مگر می‌شود کارآگاه کاررونی فصل دوم یک پلیس ریزجنه با لهجه غلیظ شیرازی (محمدرضا عباس‌نژاد) باشد و همین کاراکتر در فصل بعدی به یک پلیس دارای اضافه‌وزن و بدون لهجه و با شمالی کاملاً متفاوت از قبل تبدیل شده باشد؟ نظیر این مطلب عیناً در مورد کارآگاه کرپیچه هم صادق است و البته سازندگان سریال با وجود حفظ این دو دستیار کارآگاه علوی که دستیاران دوم و سوم او بودند، لازم ندیده‌اند در مورد حذف کارآگاه صدر (یوسف مردادیان) که دستیار اول و در واقع دست راست کارآگاه علوی در فصل دوم بود، توضیحی حتی در حد یک دیالوگ ساده ارائه کنند. جزئیاتی که شاید از منظر سازندگان سریال سخت‌گیرانه به نظر برسند ولی واقعیتاًی است که به چشم می‌آیند و نمی‌توان از کنار آنها به‌سادگی گذشت.

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

کارآگاه علوی در کنار دوستانش در فصل دوم سریال

یادداشت

در جست‌وجوی حق

سیدمهرداد بنی‌هاشمی‌کهنکی: در هر جامعه‌ای، مجموعه‌ای از حقوق برای شهروندان در قانون به رسمیت شناخته شده است. اما میان «داشتن حق» و «دسترسی واقعی به حق» فاصله‌ای وجود دارد؛ فاصله‌ای که گاهی در پیچیدگی مقررات، هزینه‌های دادرسی، ناکاه‌ای از حقوق، طولانی‌شدن فرایندها یا دشواری دسترسی به خدمات حقوقی خود را نشان می‌دهد. به همین دلیل، عدالت فقط صدور یک رأی یا وجود یک قانون نیست. عدالت زمانی در زندگی مردم معنا پیدا می‌کند که شهروند بتواند حق خود را بشناسد، برای آن راه قانونی داشته باشد و در نهایت از یک سازوکار مؤثر برای احقاق آن برخوردار شود.

وقتی قانون برای شهروند دور می‌شود

یکی از نخستین موانع دسترسی به حق، ناآشنایی با زبان و سازوکارهای حقوقی است. بسیاری از مردم هنگام مواجهه با یک مشکل، در همان ابتدا نمی‌دانند آیا مسئله آنان اساساً یک مسئله حقوقی است یا نه، چه حقی دارند، به کجا باید مراجعه کنند و چه مدارکی لازم است. پژوهش‌های «بروزه عدالت جهانی» نیز نشان می‌دهد در بررسی‌های انجام‌شده در کشورهای مختلف، بخش قابل توجهی از افراد هنگام مواجهه با مسائل حقوقی، مشکل خود را دارای راه‌حل حقوقی تشخیص نمی‌دهند یا برای دریافت کمک حقوقی اقدام نمی‌کنند. این یعنی نخستین مانع عدالت، گاهی پیش از رسیدن پرونده به دادگاه ایجاد شده است.

هزینه‌ای فراتر از پول

دسترسی به عدالت فقط مسئله هزینه مالی نیست؛ زمان، پیچیدگی فرایند، دشواری دسترسی به اطلاعات، ناآشنایی با مقررات و حتی احساس ناتوانی در برابر یک ساختار اداری با قضاتی، می‌تواند بر تصمیم‌فرد برای پیگیری حق خود اثر بگذارد. سازمان ملل متحد نیز هزینه خدمات حقوقی و نمایندگی را یکی از موانع مهم دسترسی به عدالت دانسته و بر اهمیت آگاهی حقوقی و کمک حقوقی برای گروه‌هایی که دسترسی محدودتری دارند تأکید کرده است. در چنین شرایطی، ممکن است حقی در قانون وجود داشته باشد، اما در زندگی واقعی به اندازه کافی در دسترس نباشد.

عدالت فقط دادگاه نیست

گاهی تصور می‌شود مسئله عدالت زمانی آغاز می‌شود که فرد وارد دادگاه می‌شود. در حالی که مسیر دسترسی به عدالت بسیار زودتر آغاز می‌شود. آگاهی از حق، امکان مشاوره، دسترسی به اطلاعات، روشن، وجود سازوکارهای حل اختلاف، امکان طرح دعوا، رسیدگی منصفانه و در نهایت اجرای مؤثر تصمیم، همگی بخشی از این مسیر هستند. به همین دلیل، سازمان ملل متحد «دسترسی برابر به عدالت» را یکی از اصول اساسی حاکمیت قانون می‌داند و بر ضرورت وجود خدمات عدالت، شفاف، مؤثر و پاسخ‌گو تأکید کرده است. پس مسئله فقط این نیست که قانون چه می‌گوید؛ پرسش مهم‌تر این است که شهروند چگونه می‌تواند آنچه را قانون گفته، در زندگی خود محقق کند؟

حق، زمانی واقعی است که قابل پیگیری باشد

قانون زمانی در زندگی اجتماعی معنا پیدا می‌کند که شهروند بتواند به آن تکیه کند. اگر فرد نداند چه حقی دارد، نتواند مسیر مطالبه آن را پیدا کند یا در میانه راه به دلیل هزینه، پیچیدگی یا طولانی‌شدن فرایند از پیگیری منصرف شود، میان «حق قانونی» و «حق تجربه‌شده» فاصله ایجاد می‌شود. این فاصله فقط یک مشکل فردی نیست، تکرار آن می‌تواند بر اعتماد عمومی به نهادهای حقوقی و اجتماعی نیز اثر بگذارد. از منظر حاکمیت قانون، وجود امکان مؤثر، برای جبران نقض حقوق، بخشی از تبدیل قواعد حقوقی از یک متن رسمی به یک واقعیت اجتماعی است.

پایان سخن

جامعه قانون‌مدار فقط جامعه‌ای نیست که قانون فراوان داشته باشد. جامعه قانون‌مدار جامعه‌ای است که در آن قانون برای شهروند قابل فهم، قابل دسترس و قابل اجرا باشد. حق نباید امتیازی باشد که فقط افراد آشنا با پیچ‌وخم‌های اداری و حقوقی بتوانند به آن دست پیدا کنند. فاصله میان شهروند و حق، هر جا ایجاد شود، در نهایت به فاصله میان قانون و زندگی منجر خواهد شد. بنابراین شاید پرسش اصلی این نباشد که «آیا مردم حق دارند؟» پرسش مهم‌تر این است: «آیا مردم می‌توانند به حق خود برسند؟». میان این دو پرسش، فاصله‌ای به اندازه تمام تجربه‌های روزمره شهروندان وجود دارد. حق زمانی از کاغذ به زندگی می‌رسد که شهروند برای رسیدن به آن، مجبور نباشد خود راه عدالت را پیدا کند.